

نوشته : یدانته علی دوست

زندگانی علامه حلی

جمال‌الدین ابومنصور حسن بن سدیدالدین یوسف
بن علی بن مطهر حلی معروف به علامه حلی و منسوب به
حله سیفیه است که آنرا امیرسیف‌الله ولد صدقه‌بن منصور
مؤیدی‌اسدی که از امراء دولت دیالمه می‌باشد در محرم سال

۴۹۵ هجری قمری بنا کرده است

شهر حله

بین نجف اشرف و حائر مقدس حسینی بزرگانه شط
فرات واقع است این شهر همیشه مجمع علمای بنام و بزرگ
شیعه بوده و از مفاخر شیعه عده زیادی در آنجا مدفونند .
شهری است که قبل از وجود آن امیرالمؤمنین به اصبح بن
نباثه فرمود شهری بنام حله سیفیه بنا میشود و آنرا مردی
از تیره بنی اسد بنا میکند و از این شهر مردانی پاك سرشت
پدید می‌آیند که مقرب درگاه ایزد متعال بوده و مستجاب
الدعوه باشند .

تولد علامه حلی

فرزند شیخ سدیدالدین یوسف و پسرخواهر ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی ملقب به محقق صاحب کتاب شرایع الاسلام و از خانواده فضل و دانش است وی در روز ۲۹ ماه مبارک رمضان سنه ۶۴۶ هجری قمری در شهر حله دیده بدنیآگشود و بعضی نیز تولد ایشان را در ۱۹ ماه مبارک همان سال میدانند (مانند صاحب منتخب التواریخ و صاحب روضات الجنات خودش می نویسد ۱۱ روز از ماه رمضان باقی مانده بود که علامه متولد شد ولی در عبارات یکی دیگر از علما تولد را در روز ۲۹ نقل میکنند).

علامه حلی از همان اوان کودکی شروع بتحصیل نمود و ادبیات عرب و علوم مقدماتی و متداول مانند تفسیر و فقه و اصول و حدیث و رجال را در حله نزد پدر دانشمندش و سایر علماء آن سامان فراگرفت مهمترین استادان علامه در آن شهر عبارتند از دائیش محقق حلی که بنسب به گفته روضات الجنات بمنزله استادی کریم و پدری مهربان برای علامه بوده است و هم چنین پسر عم مادرش شیخ نجیب الدین یحیی بن سعید حلی مؤلف کتاب «الجامع» و سید جمال الدین احمد بن طاووس و سید رضی- الدین علی بن طاووس و حکیم مشهور ابن میثم بحرینی مؤلف کتاب شرح نهج البلاغه و هم چنین علامه استادان دیگری داشته که ذکر خواهند شد.

علامه با جدیتی فراوان و کوششی خستگی ناپذیر تحصیل خود را ادامه میداد بطوریکه هنوز بسن بلوغ نرسیده بود که از تحصیل علوم

کتابخانه

نامبرده فراغت حاصل نموده و بدرجه عالیۀ اجتهاد رسید و شهرتش نیز از همان زمان کودکی در همه جا طنین انداخته بود و همگان برای علامه آینده درخشانی را پیش بینی مینمودند.

کتابخانه فیضیه

علامه و خواجه نصیرالدین طوسی

علامه حلی در زادگاه خویش شهر حله رشد کرد و تحصیل نمود و بهار جوانی خود را در همانجا بسر آورد و در ایامیکه شهرهای ایران بدست اولاد چنگیز قتل عام میشد و نواده چنگیز هلاکوخان پسر تونی- خان عزم فتح عراق کرد و بسال ۶۰۶ لشکر بآن کشور گسیل داشته و بغداد را فتح نمود و مردم تمام شهرها بدهات روی آورده بودند تا از شر هلاکوخان بمانند و دانشمندان و جهان علم با وضعی بس اسف انگیز دست بگریبان بودند و یکی از دشوارترین زمانها را میگذرانند علامه حلی در شهر حله می زیست. و ۱۰ سال از عمرش میگذشت اما پس از آنکه بواسطه همت و فعالیت خواجه نصیر المله والدین طوسی جهان علم رو بآبادی گذارده و جان علما از گزند محفوظ گشت.

علامه که در نظر داشت معلومات خود را از هر جهت کامل نماید بمنظور ملاقات علماء سائر فرق اسلام و استفاده از معلومات مختلفه آنها بقصد مسافرت ترک حله نموده و بجانب شهرها منجمله شهر بغداد روانه گردید.

در خلال همین مسافرتها بود که علامه حلی با خواجه نصیرالدین طوسی آشنا گردیده و خود را برای استفاده از علوم آن بحر مواج و کسب فیض از انفاص قدسیه خواجه آماده نمود بطوریکه تا آخر عمر خواجه چه

در حضر و چهر سفر با خواجه همراه بود و از وجود این شخصیت بزرگ استفاده‌ها نمود .

در ذیل این مسافرت و مسافرت‌های بعدی که برای علامه روی داد علامه از خدمت دانشمندانی چند کسب فیض نمود که عبارتند از :

- ۱- حکیم بزرگ نجم الدین کاتبی قزوینی شافعی معروف به «دبیران» که در عصر خود سرآمد علمای منطق بود (مؤلف کتاب شمسیه)
- ۲- شیخ برهان الدین نسفی ۳- جمال الدین حسین بن ابان نحوی ۴- شیخ عزالدین فاروقی واسطی ۵- شیخ نقی الدین عبدالله بن جعفر بن علی صباغ کوفی حنفی ۶- شمس الدین محمد بن احمد شافعی کیشی که خواهرزاده قطب الدین شیرازی است و این عده از استادان علامه دارای مذهب تسنن بوده‌اند و علامه حلی علاوه بر استادان خود از مشایخ و علماء دیگر نیز اجازه روایتی داشته است که بعضی از آنها عبارتند از مفیدالدین بن جهم اسدی و نجیب الدین محمد بن نما و سید عبدالکریم بن طاووسی و بهاء الدین اربلی مؤلف کتاب کشف الغمه که این عده از علمای نامی و از مفاخر بزرگ شیعه میباشند .

شخصیت علامه

علامه حلی در تمام صفات بارزه انسانی و ملکات فاضله نفسانی ممتاز بوده است . زیرا علاوه بر اینکه از خاندان علم و ادب و معرفت میباشد و دارای صفات حسنه و عاری از صفات رذیله بوده در خدمت خواجه نصیرالدین طوسی و سید رضی الدین علی بن طاووسی و سائر استادان خویش جهات اخلاقی خود را کامل نموده بود و چنانکه از انبوه آثار اراج

دار و پرارزش علامه و همچنین از اعترافات دانشمندان بنام شیعه و سنی استفاده میشود .

وی یکی از درخشانترین ستارگان فروزان علم و ادب میباشد علامه در تمام علوم عقلی مانند فلسفه و کلام ، منطق ، ریاضی هیت و هندسه و . . . و هم چنین علوم نقلی چون فقه ، اصول ، تفسیر ، حدیث ، رجال و ادب و . . . مهارتی بسزا داشته است و در تمام این علوم کتابهایی برشته تحریر در آورده است .

ازین رو در نزد علماء و دانشمندان (اعم از شیعه و سنی) دارای مقامی منیع و مرتبتی بلند میباشد بطوریکه صاحب روضات آنجناب می گوید «لم یکتحل حدقة الزمان له بمثل ولا نظیر» و پس از تعریفات زیادی از علامه چنین می گوید :

«فالاولی لنا التجاوز عن مراحل نعت له و الاعتراف بالعجز عن التعرض لتوصیف امثاله» و یافقیه و محدث مشهور و عالی مقام شیخ حر عاملی صاحب کتاب پرارج و سائل الشیعه در کتاب خود بنام امل الامل علامه حلی را چنین یاد میکند : «فاضل دانشمند ، علاة العلماء ، محقق مدقق ، ثقه موثق فقیه محدث ، متکلم ماهر جلیل القدر ، عظیم الشأن بمانند او در علوم عقلی و نقلی دیده نشده فضائل و نیکوئیهای او بیش از آنست که شمرده شود».

و نیز دانشمند بزرگ میرزا عبدالله آفندی اصفهانی در کتاب ریاض العلماء درباره علامه چنین میگوید «وی در نظر علماء ما معروف بعلامه است بقسمی که هر گاه علامه گفته شود او بنظر می آید علامه حلی حقیقی

بس عظیم بر طایفه شیعه امامیه دارد زیرا وی با زبان و بیان و تدریس و تألیف خود خدمتی بس عظیم بمذهب شیعه نمود . علامه حکیمی متکلم ، فقیهی محدث و اصولی ادیب و شاعری ماهر بوده قسمتی از اشعار او را در شهر اردبیل دیدم که حاکی از توانائی او در انواع شعر بود .

آری علامه حلّی در میدان علم و دانش آنچنان پیشرفته است که همانند استاد عالیقدرش خواجه نصیر طوسی و چون دانی دانشمندش محقق (علی الاطلاق) یکی از ائمه اربعه فقه است (چهارمی آنان شهید اول میباشد) و این ید طولای او نه فقط در علم فقه بوده بلکه در تمام علوم متداوله استادی مسلم بوده است و این اقرار بفضل و دانش و بینش علامه نه مختص علماء شیعی است بلکه علماء و بزرگان اهل تسنن نیز اقرار بفضل و علم او داشته اند از جمله ابن حجر عسقلانی در جلد دوم لسان المیزاننش چنین میگوید «حسین بن یوسف بن مطهر حلّی عالم شیعه و پیشوای آنهاست که موافق مذهب آنان کتابها نوشته است علامه دارای هوشی خارق العاده بود و...» .

و در جلد ششم لسان المیزان نیز درباره علامه میگوید وی پیشوای علمای شیعه بود « (ابن حجر اسم علامه را حسین پنداشته ازینرو این مطالب را تحت عنوان حسین بن یوسف بیان مینماید و هم چنین در کتاب دیگرش بنام الدرر الکامنه) و سپس ابن حجر عسقلانی به ابن تیمیه که نسبت به علامه کلماتی بیجا نوشته است اعتراض مینماید .

برای درك مقام شامخ علامه حلّی کافی است که نامه بیضاوی دانشمند بزرگ اهل تسنن را از نظر بگذرانیم که خطاب به علامه چنین

میگوید «یا مولانا جمال الدین ادام الله فواصلك انت امام المجتهدین فی علم الاصول» .

خلاصه آنکه علامه یکی از بزرگ ترین و پرکارترین و دانشمندان شیعه و یکی از مفاخر بزرگ ایشان میباشد بقسمیکه هر يك از علماء متأخرین که او را یاد میکنند بسیار باعظمت و احترام نام وی را میبرند و خود را از ریزه خواران خان علم و دانش او میدانند و هم او اولین کسی است که او را آیه الله خواندند و این خود بزرگترین دلیل بر موقعیت عظیم علامه در نزد علماء است .

فعالیتها و آثار علمی علامه :

فعالیتها و خدمات علامه حلی آنقدرها زیاد است که با نوشتن چند سطر نمی توان فهرست آنرا نیز بیان کرد ولی همینقدر میتوان گفت که علامه بیشتر کوشش خود را در زندگی متوجه بهتر نمودن احوال شیعیان و خدمت به این طایفه نموده بود و در این راه آنچه که رنج میدید و ناسزا می شنید تحمل میکرد و مشغول انجام دادن عمل خویش میبود و بیانا و قلماً تا آنجا که ممکن بود حقائق را به مردم میرسانید گرچه این امر باعث میشد که متعصبین از اهل تسنن در رد او کتابها بنویسند و گاه مانند ابن تیمیهها ناسزاها باو بگویند لذاست که بقول میرزا عبدالله افندی اصفهانی علامه حق بزرگی برگردن طایفه شیعه دارد چه رسمیت پیدا کردن مذهب شیعه در ایران بر اثر فعالیتهای علامه است . زیرا وقتی الجایتو سلطان مغول مایل به مذهب تشیع گردید و علما شیعی میکوشیدند تا سلطان را بیشتر مایل به تشیع نمایند .

این علامه بود که با فرزند برومندش فخرالمحققین محمد و جمعی

دیگر از علماء به خدمت شاه در سلطانیه شتافت و دو کتاب در اصول عقائد شیعه بنامهای نهج الحق و کشف الصدق در کلام و منهاج الکرامه فی الامامه به سلطان هدیه نمود و سپس مناظراتی با قاضی القضاة نظام الدین مراغه‌ای در اثبات حقانیت مذهب شیعه با تسنن نمود و چنان متفق و مستدل صحبت نمود که محکوم شدن قاضی بر هیچ يك از حاضران مخفی نماند و در نتیجه شاه سلطان محمد خدا بنده توسط این عالم جلیل القدر شیعه گردید و مذهب تشیع مذهب رسمی اعلام شد و در سال ۷۰۹ هجری سلطان امر کرد که نام خلفای ثلاثه را از خطبه و سکه انداختند و نام حضرت امیر (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را در خطبه و نام حضرت علی (ع) را در سکه بیاورند علامه برای دفاع از حریم تشیع از هیچ کاری واهمه نداشت بقسمی که وقتی شنید کتابی در دست یکی از علماء اهل تسنن است که در مجامع عمومی خوانده میشود و استنساخ ازین کتاب ممنوع است که تاب دست علماء شیعه نرسد تا مطالب آنرا رد کنند و بوسیله مطالب آن مردم را گمراه میکنند علامه مدت‌ها پیش آن عالم رفت و بعنوان شاگرد در محضر او حاضر میگشت تا عاقبت مقصود نهائی خود را عملی نمود و از استاد درخواست کرد کتاب را برای مدتی باو بدهد ولی استاد فقط برای مدت یکشب حاضر شد کتاب را در اختیار علامه بگذارد و در همان یکشب علامه همت گماشت کتاب را استنساخ نموده و سپس مطالب آنرا رد نماید که در بین شب مردی براو وارد شده و امر استنساخ را بعهده گرفت و چون در آخر آن نوشت کتبه المهدی معلوم گردید آقا امام زمان بوده است .

کتابخانه

و اما آثار علمی علامه بسیار زیاد است چه اینکه علامه از همان دوران جوانی شروع به تصنیف و تألیف کتاب نموده است چنانکه در مقدمه کتاب الوصول الی علم الاصول خودش میفرماید در ۲۶ سالگی به نگارشهای فلسفی خود پایان داده شروع به نگارش فقه و اصول نمودم و اما در تعداد کتب ایشان اختلاف است .

کتابخانه فضیله

مؤلف مجمع البحرین در لفظ علم در کتاب مذکور چنین می گوید «والعلامة الحلی الحسن بن یوسف بن مطهر له کثیر من التصانیف و عن بعض الافاضل : وجد بخطه خمسمائة مجلد من تصنیفاتہ غیر خط غیره من تصانیفه قال الشیخ البهائی من جملة کتبه قدس سره کتاب شرح الاشارات ولم يذكره من عدد الکتب المذكورة هنا فی الخلاصة قال وهو موجود عندی بخطه ومدة عمره سبع وسبعون سنة وثلاثة اشهر وسبعة عشر يوماً توفي فی ليلة حاديعشر من المحرم سنة ستة و عشرين وسبعمأة و مولده تاسع عشر شهر رمضان سنة ثمان و اربعین و خمسمائة» وهم چنین صاحب منتخب التواریخ از کتاب هدایة الائمة نقل میکند که مصنفات علامه حلی تا ۵۰۰ جلد رسیده است مؤلف کتاب ریحانة الادب ۱۲۰ کتاب از علامه نام برده است .

گرچه علامه خود در کتاب خلاصه شان ۶۷ جلد کتاب نام برده است ولی معلوم است تألیفات ایشان بمراتب بیشتر است زیرا کتاب خلاصه آخرین کتاب ایشان نیست و حرف شیخ بهائی نیز سند دیگری است برای این مدعا : مؤلف کتاب اعیان الشیعه ۱۰۹ کتاب از ایشان نام برده و کتب هر موضوعی را جداگانه ذکر کرده باین طریق: در علم فقه و احکام

اسلامی بر مبنای شیعه ۲۰ کتاب در اصول فقه ۹ کتاب در علم کلام و عقائد
 ۲۸ کتاب در فلسفه و منطق ۲۴ کتاب در تفسیر ۲ کتاب در حدیث ۶ کتاب
 در علم رجال ۴ کتاب در علم نحو ۴ کتاب در ادعیه ۴ کتاب در فضائل
 امیرالمؤمنین ۲ کتاب در فنون مختلفه ۳ کتاب و در جواب مسائل علمی
 و اجازات ۵ کتاب اکنون برای نقل اسامی چند کتاب از علامه و نقل
 بهترین اثر ایشان در فقه، بهتر است عبارت علامه بحر العلوم (ره) که در
 کتاب رجال است نقل گردد سید بحر العلوم پس از آنکه از علامه
 حلی بسیار بنیکی یاد می‌کند می‌فرماید « علامه در هر علمی کتابها
 نوشته در فقه که خود استاد این فن و شناگران بحر مواج بوده ۱۲
 کتاب تصنیف نموده که پناهگاه فقها و محل رجوع علماست ۱ کتاب
 منتهی‌المطلب فی تحقیق‌المطلب مشتمل بر تمام عبادات و اندکی از معاملات
 ۲ نه‌ایة‌الاحکام فی معرفة‌الاحکام ۳۰ تذکرة‌الفقهاء ۴ مختلف‌الشیعه فی احکام
 الشریعة ۵ تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه ۶ قواعد الاحکام
 ۷ ارشاد‌الاذهان الی احکام‌الایمان ۸ تلخیص‌المرام فی معرفة‌الاحکام ۹ تبصرة
 المتعلمین فی احکام‌الدین ۱۰ رساله واجب‌الاعتقاد ۱۱ الرساله‌السعدیه ۱۲
 جوابهای مسائل سیدبزرگوار مهنان بن سنان مدنی نخستین کتاب فقهی علامه
 کتاب منتهی و آخرین آنها کتاب مختلف و بهترین و دقیقترین و محکمترین
 آنها (قواعد) و مفیدترین آنها برای اهل استدلال مختلف و منتهی و تذکره
 و جامعه و آسانتر از همه برای مطالعه تحریر است راجع به مهارت وی در علم
 اصول باید گفت علامه سرآمد علمای این فن و کعبه‌آمال خواستاران و سر
 رشته‌داران است و در علم منطق و کلام شیخ‌الرئیس و فخرالدین رازی است
 بعلاوه علامه در تفسیر و حدیث و فنون عربیت دارای تألیفات بسیار است.»

این بود جملات و فرمایشات بحر العلوم و اما نام بعضی دیگر از کتب علامه ۱ الابحاث المفیده فی تحصیل العقیده ۲ اثبات الرجعه ۳ استقصاء العبث والنص فی مسائل القضا و القدر ۴ الاسرار الخفیه فی العلوم العقلیه من الحکمة و الکلام و المنطقیه ۵ الاسرار الغیبیه که در مقدمه اول آن هزار دلیل بر اثبات امامت علی بن ابیطالب و در مقدمه دو هزار مش دلیل در رد شبهات مخالفین بیان شده ۷ الجوهر النفید فی شرح منطق التجرید ۸ کشف الخفای من کتاب الشفاء ۹ منهاج الکرامه ۱۰ شرح تجرید خواه نصیر الدین طوسی ۱۱ نهج الایمان فی تفسیر القرآن ۱۲ سرالوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز ۱۳ ادعیه الفاخره المنقوله عن العتره الطاهره ۱۴ المطالب العلیه فی علم العربیه ۱۵ القواعد الجلیه و بسیاری دیگر خلاصه آنقدر تالیفات علامه زیاد است که در روضات الجنات چنین می گوید و عن ابن خاتون و شرح الاربعین انه وقع نصیب کل یوم الف بیت گرچه اینمطلب را مبالغه میدانند و اما وفات علامه جلیل القدر در ۱۱ محرم الحرام سال ۷۲۶ هجری در شهر حله بوده است بعضی هم وفات را در ۲۱ محرم همانسال میدانند و قبر مبارکش در نجف اشرف در حجره ای بن ایوان طلا و صحن حضرت امیر است (منتخب التواریخ) در موقع وفات ۷۷ سال و خورده ای از عمر مبارکش می گذشت .

بقیه از صفحه ۴۸. اتفاقاً پیش از آنکه به کاروان خود ملحق شود سنگی بر فرقش فرود آمد و... و جابجانا بود گردید سپس آیه «سئل سائل به عذاب واقع» نازل شد.

تردیدی نمیتوان داشت که با دلایل یادشده تشکیک بعضی از افراد در اصل داستان «غدیر خم» و تاویل خطبه نقل شده از پیامبر (ص) بسیار خنک و ناپسند و ناشی از تعصب و دشمنی است که بحمدالله تا حدود زیادی روشن شده و امید است بعد از این روشتر گردد و حقیقت با چهره واقعی خود جلوه گر شود.

گواه سخن درباره اکمال دین

بطوریکه در بالا یاد آور شدیم یکی از آیاتی که به مناسبت موضوع «غدیر خم» نازل شده. آیه **اليوم اكملت لكم دينكم** میباشد در اینجا لازم دیدیم تا جائیکه در خور حق نگارنده و حوصله مقاله است منظور از «اکمال دین و اتمام نعمت» را که در روز غدیر نصیب جامعه مسلمین گردید بیان کنیم:

نخست باید کلمات «اکمال» و «اتمام» و «نعمت» را معنی کنیم تا مقصود بهتر روشن شود. «راغب» در مفردات خود میگوید: معنای کلمه «اکمال» و «اتمام» بهم نزدیک است و اصولاً چیزیکه مراتب نقص را به پایان رسانده و به چیزی خارج از وجود خودش نیازمند نباشد آن را کامل گویند و بعبارت روشن تر اینکه اگر چیزی بمرحله ای برسد که آثار مترقبه بر آن باز شود آن چیز تکامل یافته و بکمال رسیده شناخته میشود. و کلمه «نعمت» هر آن چیزی است که با طبع چیزی ملایم و

سازگار باشد .

و نیز لازم است بدانیم که تمام اشیاء این جهان و یا بیشتر آنها از نظر اینکه در نظام کلی تدبیر الهی واقع شده و بایکدیگر سازگارند ، نعمتهای پروردگار میباشند ولی با این شرط که در راه ایفاء غرضی که خداوند از آفرینش آنها داشته بکار برده شود و آن غرض عبارت از تضمین سعادت بشر و نزدیک ساختن او به ساحت مقدس ربوبی است . پس هرچیزیکه در راه مقرب ساختن انسان به خدا مصرف شود نعمت است و در غیر اینصورت نعمت خواهد بود لازمه این سخن اینست که این اشیاء باید تحت ولایت الهی مورد استفاده قرار گیرند تا نعمت شوند و جان سخن اینکه این اشیاء هنگامی نعمت های الهی هستند که تحت ولایت کلی الهی در راه هدایت و ارشاد جامعه بشری مورد استفاده قرار گیرند .

اکنون نتیجه می گیریم که دین و احکام آن چون مشتمل بر ولایت و سلطنت خدا و پیامبر او و اولو الامر است یکی از بزرگترین نعمتهای الهی است و طبق آیه کریمه «اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولى الامر منكم» (۱)

این نعمت با تمام نمی رسد مگر زمانی که اطاعت امام و جانشین پیغمبر « اولو الامر » به اطاعت خدا و پیامبر اوضمیمه گردد . (۲)
روز «عید غدیر» روزی است که در آن روز بانصباب شاه ولایت

(۱) یعنی خدای و رسول و اولو الامر را اطاعت نمائید .

(۲) اقتباس از تفسیر الهمیزان تألیف علامه بزرگوار طباطبائی .

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت مسلمین نعمت دین به اتمام رسید و نهال برومند اسلام کامل گردید که اگر پیامبر اسلام خلافت و جانشینی علی و ولایت آسمانی او را در آن روز تاریخی ابلاغ نمی کرد نعمت دین همچنان ناقص مانده و آنچنان بود که گوئی پیامبر دینی نیاورده و ابلاغ رسالت نکرده چنانکه از مفهوم جمله «وان لم تفعل فما بلغت رسالته» ظاهر می شود. بنابراین بسیار بجا و به مورد بود که خداوند در مثل چنین روزی این آیه را نازل فرمود و روز «غدیر» را روز اکمال دین و اتمام نعمت نام نهاد. چون ولایت علی علیه السلام بمنزله روح تعالیم اسلام است و همانطوریکه هیچ موجود زنده ای بدون حلول روح اثری از حیات و زندگی نمیتواند داشته باشد همچنان حیات دین مقدس اسلام بسته به روح ولایت علی علیه السلام است که در روز «عید غدیر» در کالبد پیکر این دین دمیده شد و زحمات خاتم پیامبران به کمال رسید. چه خوب گفته شاعر:

هین قم اللیل ایشه مزلم	وصف کن حال ولی کاملم
احمدا از سربنه این دلقر	برولای مرتضی کن خلق را
احمدا از سرینداز این گلیم	خلق را کن برصراط مستقیم
احمدا اجسام ثابت جان کجاست	بی تولای علی ایمان کجاست
گرتو خواهی رد کن و خواهی قبول	گر نگوئی نی نبی و نی رسول
احمدا کن دعوت دیگر بقوم	قبل و قال است این صلوة و حج و صوم

جمله کوتاهی بادوستان شاه ولایت

در اینجا لازم دیدم بمنظور ایفاء وظیفه شرعی، کوتاه جمله ای

را با علاقمندان به شاه ولایت و خاندان او علیه السلام در میان بگذارم ، بطوریکه اکثر آمنت حاضر می باشید از روزهای نخست مذهب شیعه در معرض حملات دشمنان گوناگون قرار داشته و برای اضمحلال آثار خاندان علی علیه السلام و در نتیجه نابودی تشکیلات مذهب شیعه از هر گونه صلاحی که میشده استفاده میکرده اند و در عصر حاضر نیز اینگونه مبارزه ها در گوشه و کنار بچشم میخورد ولی از همان روزهای اول ، دشمنان این مذهب با افرادی روبرو میشدند که از هبیت و صلابت آنان بر خود میلرزیدند و گاهی میشد که یک تن شیعه در برابر هزار تن دشمن بپا میخواست و سرانجام ولو با دادن سر و تقدیم جان و نوشیدن شربت شهادت بود شاهد پیروزی را در آغوش میکشید و دشمن کینه توز خود را برای همیشه خوار و نگوئسار میکرد .

شما نیز ایدوستان علی (ع) از پستان مادرهائی شیر خورده اید که محبت علی (ع) با خون و گوشت آنان آمیخته بود بنابراین بیائید برای جلب رضای پروردگار در حفظ این میراث بزرگی که از نیاکان بمارسیده بیشتر بکشیم و حقوق خاندان رسالت را بهتر ادا کنیم و لااقل از نشر مطالبی که بیش از پیش آتش دودسته گی را مشتعل میسازد خودداری کنیم و حل مسائل اختلافی را بگذاریم برای روزیکه از خطر دشمنان سرسخت و لجوج اسلام در امان باشیم . بامید آنروز که با حفظ وحدت و اتفاق به کامیابی و خوشبختی نائل آئیم ...